

بررسی تحلیلی مکتب نقاشی زندیه و قاجاریه

طلا کاظمیان مروی / دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران*
talakazemian1374@gmail.com

چکیده

مکتب نقاشی زند و قاجار یا به اصطلاح درست‌تر «پیکرنگاری درباری» به آثار نقاشی اطلاق می‌شود که در دوره زندیه آغاز شد و تا دوره قاجار ناصری نیز ادامه پیدا کرد. این شیوه بیشتر از تلفیق ویژگی‌های هنر نقاشی سنتی ایرانی با عناصر و شیوه‌های از نقاشی اروپایی شکل گرفت که میراث‌دار دوران فرنگی‌سازی عصر صفوی می‌باشد. در آن دوران پرورش هنر نقاشی بیشتر وابسته به دربار بود و شاهان و شاهزادگان مهم‌ترین سفارش‌دهندگان آثار هنری و تنها حامیان هنر بوده‌اند. در روزگار فتحعلی شاه، شاه که با رویکرد به گذشته درخشان سرزمین ایران چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام با پیوند این دو به یکدیگر خود را وارث شاهان گذشته ایران و تمدن آن قلمداد می‌کرد و با مقام نیمه‌خدایی که پیدا کرده بود، مجوز کاری را از روحانیون گرفت که تا پیش از آن سابقه نداشت. نقاشی دوره قاجار را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم کرد: از آغاز تا اواخر سلطنت ناصرالدین شاه که نقاشان در این دوره مواردی از نقاشی خارجی را که به مذاقشان خوش می‌آمد، انتخاب و آن را در سنت خود ادغام کردند که تلفیق شیوه‌های نو و کهنه منجر به شیوه نقاشی متمایزی شد که کاملاً ایرانی بود. دوره دوم مقارن با سلطنت ناصرالدین شاه و پس از او است که در این دوره روز به روز محدودیت هنر درباری آشکارتر و محسوس‌تر می‌شد و نقاشی رسمی و کلاسیک نیازهای فرهنگی و هنری زمان را برآورده نمی‌کرد. نگارگری قاجاری در این دوره نقاشی روی بوم رواج یافت. نقاشی‌ها بسیار متأثر از نقاشی غربی بودند. پرتره کشیدن خاصه بسیار مورد توجه قرار گرفت. یک شیوه دیگر نقاشی هم برای تزئین قلمدان، قاب آینه، جعبه آرایش و دیگر اشیای تزئینی به کار رفت که نقاشی زیر لاک نامیده شد. در این شیوه نقاشی را با لایه‌ای از ورنی می‌پوشانند. نوع دیگر نقاشی این دوران گل و مرغ‌سازی است که در اواخر صفویه آغاز شد و در دوره قاجار رواج یافت.

کلیدواژه‌ها: نقاشی، زندیه، قاجاریه، پیکرنگاری درباری.

Analytic Study of the Zendiyeh and Qajar School of Painting

Tala Kazemian Marvi / Master student of Islamic Art, Faculty of Arts, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

talakazemian1374@gmail.com

Abstract

Zend and Qajar's school of painting, or more accurately termed 'Court portraiture', is a painting style that began in the Zandiya period and continued until the Naseri Qajar period. This method was formed by combining the characteristics of traditional Iranian painting with elements and techniques of European painting, which is a legacy of the Persianization period of the Safavid era. At that time, the cultivation of painting art was more dependent on the court, and the kings and princes were the most important clients of art works and the only patrons of art. In the days of Fath Ali Shah, the Shah, by approaching the brilliant past of the land of Iran both before Islam and after Islam, by linking the two to each other, considered himself the heir of the past kings of Iran and its civilization, and with the demigod position he had found, He got permission from the clerics to do something that had never happened before. The painting of the Qajar period can be divided into two general periods: from the beginning to the end of the reign of Naser al-Din Shah, in which the painters of this period chose items of foreign painting that they liked and integrated them into their traditional, combining new and old ways. This led to a distinctly Iranian style of painting. The second period is parallel to the reign of Naser al-Din Shah and after him, during this period, the limitations of court art became more evident and noticeable, and formal and classical painting did not meet the cultural and artistic needs of the time. Qajar's painting became popular throughout this period of painting on canvas. Paintings have been heavily influenced by Western painting. The popularity of portraiture was particularly high. Lacquer painting was a method of painting that was utilized to decorate pencil cases, mirror frames, makeup boxes, and other decorative objects. A varnish layer is applied to the painting in this manner. Another type of painting of this period is the manufacture of flowers and chickens, which began in the late Safavid period and became popular in the Qajar period.

Keywords: painting, Zendiyeh, Qajar, court iconography.

مقدمه

مکتب نقاشی زند و قاجار به آثار نقاشی اطلاق می‌شود که در دوره زند شروع شد و تا دوره قاجار و کمی پس از آن امتداد یافت. این شیوه به عنوان سبکی منسجم و مکتبی متشکل در نقاشی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که همه ویژگی‌های موضوعی و کاربردی یک مکتب نقاشی را دارد. این شیوه بیشتر از تلفیق ویژگی‌های هنر نقاشی سنتی ایرانی با عناصر و شیوه‌های از نقاشی اروپایی شکل گرفت. هر چند آثاری نزدیک به این شیوه از دوره صفوی در ایران تا حدی مرسوم بود و «فرنگی‌سازی» نامیده می‌شد، اما ابتدا در دوره زند و در ادامه آن در دوره قاجار، شکل مشخص خود را یافت. پرورش هنر نقاشی بیشتر وابسته به دربار بود و شاهان و شاهزادگان مهمترین سفارش‌دهندگان آثار هنری و تنها حامیان هنر بوده‌اند. در روزگار فتحعلی شاه سبک «دیوار نگاری» شروع شد. دیوارنگاره‌هایی زیبا از آقا محمدخان و فتحعلی شاه در کرج، در خرابه‌های «کوشکی» در نزدیکی مدرسه جدید کشاورزی به خوبی یادآور نقاشی دوره قاجار است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و ماهیت آن توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای است. برای انتخاب مورد مطالعاتی مجموعه آثار به جای مانده از نقاشی‌های دوره زند و قاجار در کتاب‌ها و موزه‌ها بررسی شد.

پیشینه پژوهش

در جست‌وجوی انجام شده منبعی که در مسئله با این پژوهش اشتراک کامل و مستقیم داشته باشد، یافت نشد. در این نوشتار، از منابعی همچون آژند (۱۳۸۶)، آغداشلو (۱۳۸۴)، پاکباز (۱۳۸۵)، جلالی جعفری (۱۳۸۲)، رابینسون (۱۳۸۶) و شفیع زاده و رجبی (۱۳۸۷) استفاده شده است.

مهرعلی

پرده‌های نقاشی به جای مانده از مهرعلی نقاش باشی، حاکی از آن هستند که او بیش

از دیگر نقاشان این دوره در نمایش شوکت شاهانه توفیق یافته‌است. او دست کم ده پرده پیکرنگاری از فتحعلی شاه فراهم کرده که به‌ویژه در یک شمایل تمام قد، فتحعلی شاه را با تاج کیانی و عصای مرقع نشان می‌دهد. طراحی‌های مهرعلی در اوایل سده سیزدهم هجری پخته‌تر شد و او تصویر شاه را با تناسبات چشم‌گیری کار کرد. مهرعلی دو اثر زیبا از پیکرنگاری‌های فتحعلی شاه را در کاخ گلستان برای تالار تخت مرمر کار کرد و یکی را هم که فتحعلی شاه را در حال تاج‌گذاری نشان می‌دهد به رسم هدیه برای ناپلئون بناپارت فرستادند که در کاخ ورسای نگهداری می‌شود.

میرزا بابا اصفهانی

از آثار میرزا بابا برمی‌آید که در بین سال‌های ۱۲۰۰ و ۱۲۴۵ ق فعالیت هنری داشته‌است. گفته‌اند که میرزا بابا اصفهانی بوده و در استرآباد برای خاندان قاجار کار می‌کرده‌است. میرزا بابا ابتدا در دربار کریم‌خان زند مشغول نقاشی بود و پس از جلوس آقامحمدخان به تخت سلطنت، در تهران به کار پرداخت و فنون و شگردهای مختلفی در هنر خود به کار بست. در اواخر عمر نقاش باشی دربار فتحعلی شاه شد. او در نقاشی رنگ و روغن و سیاه‌قلم و تذهیب استاد بود. او در برخی از این نقاشی‌ها از سبکی شبیه سبک محمدصادق استفاده کرده‌است. میرزا بابا همچنین در رشته گل‌بوته و شبیه‌کشی تبحر داشت و قلمدان‌نگار هم بود. از او چندین پرده رنگ‌روغنی و تصاویری به شیوه مینیاتور و گل‌بوته کشی باقی‌مانده‌است. شمایل فتحعلی شاه با عمامه جقه‌دار و جامه و اسلحه گوهرنشان، که جلوی پنجره‌ای بر روی یک قالیچه مرصع نشسته‌است که شاید بهترین نقاشی میرزا بابا باشد.

عبدالله خان

عبدالله خان نقاش باشی دهنوی سمیرمی معمارباشی و نقاش باشی دربار فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه بود و در بین سال‌های ۱۲۲۵-۱۲۶۶ ق فعالیت داشت. او از نقاشان فتحعلی شاه بود و از او تک چهره می‌کشید. او دیوارنگاره‌ای بزرگ از مراسم سلام نوروزی فتحعلی شاه در تالار بارعام کاخ گلستان اجرا کرده بود که اکنون از بین رفته‌است. مهارت عبدالله خان در کشیدن مجالس بزم و رزم و شبیه‌سازی بود و بیشتر کاخ‌های سلطنتی قاجار را تزئین و آراسته‌است. عبدالله خان افزون بر نقاشی و معماری، در دربار قاجار دارای مناصب عالی

مدیریتی هم بود. از آثار آبرنگ عبدالله خان تصویر شاهزاده خانمی در درون یکشمسه همراه با ندیمه اوست. مهارت طراحی و شیوه پردازش صورت‌ها و رنگ جامه‌ها در این اثر کم‌نظیر است.

صف سلام

دیوار نگاره «صف سلام» یکی از بی‌بدیل‌ترین آثار این دوره می‌باشد. سلام عبارت از جلسه‌ای رسمی در حضور شاه بود که طی آن، وزیران و صاحبان مقام، گزارش امور دولتی را به عرض شاه می‌رسانند و حتی گاه شاهزادگان نیز ملزم و موظف به حضور در این مراسم بودند. نقاشی‌های صف سلام نیز با ترکیب‌بندی‌های متقارن و سترگ‌نمای خود، بیشتر با هدف به رخ کشیدن شکوه پادشاه، بزرگی سلطنت او و نفوذ قدرت و اهمیت این پادشاهی در اذهان مردم - چه در داخل و چه در خارج از کشور - تصویر می‌شد که نمونه‌های آن را غیر از باغ نگارستان، در کاخ سلیمانیه کرج، عمارت شاهی قم، عمارت نظامیه تهران و همچنین - به صورت تابلو نقاشی - در کاخ نیاوران و چندین مجموعه و گالری هنری دیگر شاهد هستیم.

زندیه

از دوره فروپاشی صفویه در سال ۱۱۳۵ ق و روی کار آمدن نادرشاه و پایان حکومت او در ۱۱۶۰ ق ناامنی خاصی در شیراز حاکم بود که نتیجه آن قتل و غارت و کشتار مردمان و تنگی معیشت بود. با آمدن کریمخان زند و سرکوب آشوب‌ها و به سامان کردن اوضاع آشفته زمان، شیراز به‌عنوان یک مرکز علمی، تجاری و هنری تغییر یافت و خرابه‌های شهری پذیرای بناهای باشکوه شد. فضای آزادانه مذهبی و اجتماعی زندی که از ویژگی‌های حکومت وکیل‌الرعایا بود، نقاشان و هنرمندان این دوره را صاحب فراغت و آسودگی در خلق هنر کرد. کریم خان با آنکه بی‌سواد بود، اما دانشمندان، علما و ارباب هنر و صنایع عصر خود را بزرگ می‌شمرد. در این ایام، علاوه بر معماری و عناصر وابسته به آن، سایر هنرها نیز به اوج خود رسید. اوج گسترش و تکامل درهای خاتم شیراز و سایر خاتم کاری‌ها به دوره زندیه می‌رسد. در این ایام، آینه‌های بزرگ از کشورهای روس و روم و شهرهای اروپایی با کمک کشتی و ارابه به شیراز می‌آمد. اقدامات عمرانی کریمخان در پایتخت و اطراف آن وامنیتی که در راه‌ها ایجاد شد باعث رشد اقتصادی شیراز و تاسیس کارگاه‌های صنعتی فراوان شد. رشد صنایع نظامی

مانند ساخت اسلحه سرد و گرم، توپ، زنبورک، شمشیر و خنجر، مدیون سیاست‌های تهاجمی کریمخان به خصوص در نیمه اول حکومتش بود.

نگارگری دوران زندیه تداوم حرکتی است که از زمان شاه عباس دوم و شاه طهماسب صفوی با تأثیر از شیوه‌های نقاشی اروپایی آغاز شد، در دوران سلطنت نادرشاه به رکود نشسته و در زمان استیلای سلاطین زندیه مجدداً بارور گشته‌است. شاید دلایل احیای دوباره هنر نگارگری، ایجاد امنیت سیاسی و رفاه اقتصادی است که در دوران وکیل‌الرعایا به ایران ارزانی شد. علاقه خان زند به نقاشی و تصاویر دیواری و اهمیت به صاحبان این فن موجب آن شد تا در ساختمان‌های این عصر جلوه‌هایی چشم‌نواز از هنر نگارگری نمودار شود. به طور کلی تکنیک نگارگری زندیه را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

۱. استفاده از آب طلاکاری و ورقه‌های نازک طلا برای تزئین نقوش گل و مرغ: تکنیک مذکور از ویژگی‌های هنر نگارگری این عصر می‌باشد و هنرمندان از آن در سطحی گسترده سود جست‌ه‌اند، اما ریشه آن در دوران صفویه قابل بررسی است. نقاشان زندی توانستند تا با بهره‌گیری از سنت‌های هنری پدران خود، آن را در طیفی گسترده‌تر و البته با ظرفیتی بیشتر به اجرا درآورند.

۲. گل و بوته‌سازی: نقاشی گل و بوته به هر شکلی، آفریده شیوه طبیعت پردازانه هنرمندان است. با این حال، هدف از بازسازی طبیعت در نقاشی‌های گل و بوته ایران، تنها توصیف واقع‌گرایانه طبیعت نیست، بلکه اساساً در هنر اسلامی ایران شباهت قالب‌های طبیعی کنار گذاشته می‌شود و در مقابل بر جوهر عرفانی و روحانی آن تأکید می‌شود.

۳. نقاشی زیرلاکی: نقاشی زیرلاکی، نوعی نقاشی آبرنگ روی اشیایی مقوایی است که رویه آن با ماده جلادهنده (لاک) پوشانیده می‌شود. با آغاز ارتباط ایران با فرهنگ اروپا و آشنایی نگارگران با فرنگی‌سازی و تکنیک‌های نقاشی اروپا، هنرمندان این بار مهارت خود را صرف ساختن جلد‌های روغنی این کتب نفیس خطی، قلمدان‌ها و جعبه‌های کوچک و بزرگ و قاب آینه کردند. روغنی که در نقاشی‌های لاک‌ی از آن استفاده می‌شود به «روغن کمان» معروف است.

۴. نقاشی روی بوم: در ادامه فرنگی‌سازی و رهاورد رفت و آمدهای ایرانیان به اروپا که از دوران صفوی آغاز شده بود، نقاشی روی بوم نیز رایج شد.

نقاشان زندیه

ابوالحسن غفاری: از معروف‌ترین نگارگران عصر زند بود که علاوه بر نقاشی در دیگر هنرهای آن عصر زبان زد خاص و عام بود.

علی اشرف: وی منحصرًا در عرصه نقاشی زیرلاکی فعالیت می‌کرد. علی اشرف عمدتاً به موضوع گل و مرغ می‌پرداخت. از ویژگی‌های کارش این بود که انبوه گل‌های ریز و رنگارنگ را با اسلوب پردازش بر زمینه تیره نقاشی می‌کرد.

میرزا بابا: نقاش دیگر عصرزند که مهم‌ترین اثر هنری وی، تابلویی از کریمخان به تاریخ ۱۱۹۲ ق است که در موزه مرمر نگهداری می‌شود.

بهرام شیرازی: از این هنرمند تصویری از چهره لطفعلی خان زند در دست است که به سبک شیراز نقاشی شده و تاریخ ۱۱۹۳ ق را دارا است.

آقا صادق اول: وی فعالیت هنری خود را حدود سال‌های ۱۱۲۸ تا ۱۱۷۸ ق به مدت پنجاه سال ادامه داد و با امضای «صادق الوعد آقا صادق» یا «صادق الوعد» معروف بود.

مضامین نقاشی زندی

۱. عناصر حکایات و روایات: تصویر دختر ترسا و شیخ صنعان (هفت تن و کلاه فرنگی)، یوسف و زلیخا (کلاه فرنگی)، موسی در حال شبانی (هفت تن)، سعدی در حال تدریس به دختر و پسر اتابک (کلاه فرنگی).

۲. چهره‌پردازی در قالبی نوین (تک چهره‌نگاری) و به وجود آمدن نقاشی قهوه‌خانه‌ای و مردم‌گرا: کریم خان زند در حال قلیان کشیدن (کلاه فرنگی)، درویش با کشکول و تبرزین و محاسن سفید (کلاه فرنگی)، شاه عباس کبیر با سبیل چخماقی (هفت تن)، کریم خان و درباریان (دیوانخانه، امروزه در موزه بریتانیا).

۳. زن: تقریباً حدود یک سوم از نقاشی‌های زندیه تصاویر زنان است.

۴. نبردها: جنگ نادر با محمدشاه گورکانی (کلاه فرنگی)، جنگ شاه عباس با عثمانی

(باغ جهان نما).

۵. گل و مرغ: گل‌های تزئینی و طوماری اصیل ایرانی، گل و مرغ‌های شیرازی.

۶. ترنج و سرترنج.

گل و گلدان، مرغ و آسمان، این‌ها واژگانی است که همیشه در ذهن ایرانی دیوارنگاره‌ها و کاشی‌کاری‌های مساجد، مفروش‌اتاق‌ها و نقاشی‌های زیبای ایرانی تداعی می‌شود. در این راه، شاید به حق و شایسته باید بدعت تازه را مدیون تفکر و خلاقیت و ابتکار هنرمندی دانست که در اواخر عهد افشاریه (تا اوایل زندیه) نهضت مکتب گل را آغازگر بود. این هنرمند خلاق کسی نیست جز علی اشرف نیست. در نقد و نگرش بر آثار ارزنده هنرمند، می‌توان دریافت که با توجه به نشانه‌های همگونی و تشابه به هنر و ذوق او با قلم محمد زمان اول، به ویژه در زمینه گل و بوته او، می‌بایست مدت زمانی را در خدمت و محضر محمد زمان اول نقاش چیره دست عصر صفوی گذرانده باشد.

با توجه به رواج و رونق معماری اصیل و پرصلابت عصر زندیه، هنرهای سنتی ایران نیز به صورت آرایش و تزئین این بناها، حیاتی دوباره می‌یابد. هنرهایی همانند کاشی‌سازی، گچ‌بری، منبت‌کاری و مهم‌تر نقاشی دیواری در نقش‌های به یادگار مانده و هر از هنرهای یاد شده، همچنان نفوذ و سلطه اندیشه هنرمندان دوستار گل و مرغ آشکارا دیده می‌شود و به دیگر مفهوم این هزینه‌ها نیز همگام، با رواج گل و بوته و مرغ در نقاشی قاب آینه‌ها و قلمدان‌ها و پشت جلد در نقش‌های کاشی و گچ و سنگ نیز متجلی می‌شدند.

مکتب گل، بعد از آقا صادق و یارانش، اگر جلوه و جلای دوباره‌ای یافته باشد و به حیات خود ادامه داده باشد، بی‌تردید این جلوه و حیات را می‌بایست مدیون ذوق و استعداد هنرمندی نابغه، یعنی لطفعلی خان شیرازی دانست که در اوایل عهد محمدشاه قاجار وارد کار هنر گردیده و با توجه به تاریخ نقاشی‌هایش می‌بایست تا اواسط عصر ناصرالدین شاه قاجار دست و دل از کشیدن نقش برنکشیده باشد. بارزترین مشخصه نقاشی سده دوازدهم رواج گونه‌های تازه هنر تصویری است.

نقاشی زیر لاکی عهد زندیان به لحاظ سبک با نقاشی رنگ روغنی و دیوارنگاری آن زمان پیوند داشت؛ همان‌گونه که دیوارنگاری سده یازدهم با یکدیگر مرتبط بودند چون محمد صادق در همه زمینه‌های نقاشی فعال بود، این ارتباط در آثارش آشکارتر است. نقاشی عهد زندیه که خود ادامه‌دهنده سنت فرنگی‌سازی صفوی بود با مختصر تغییری به دوره قاجاریه راه یافت. می‌توان گفت که مکتب موسوم به قاجاری از عهد کریم‌خان زند آغاز شد. به هر حال، دو عنصر بسیار مهم در نقاشی عهد زندیه بسیار پراهمیت است و آن گل و مرغ با نقش خاصی گل فرنگ و همچنین نقاشی درباری که پلی بود برای تکامل نقاشی گل و مرغ

و نقاشی درباری در عهد قاجار که پایه آن در اواخر صفویه توسط محمد زمان و پیرانش بنا نهاده شده بود.

نتیجه

شناخت کامل از ویژگی‌های نقاشی قاجار بدون توجه به عوامل اصلی شکل‌گیری آن (مواد و مصالح، ابزار و فنون) به دست نمی‌آید. در نقاشی‌های عهد قاجار هم گرایش‌های تزئینی هست و هم تمایل به طبیعت‌پردازی (یعنی ترکیبی از شیوه سنتی و شیوه غربی است). موضوع اکثر نقاشی‌های دوره قاجار، تصاویری از شاه، رجال و درباریان است. تنها تعدادی نقاشی بر مبنای داستان‌های مذهبی و ادبی کشیده شده‌اند. توجه به منظره‌سازی در زمینه نقاشی‌های دوره قاجار به خوبی دیده می‌شود. در مجموع نقاشی دوره زندیه و دهه‌های نخست دوره قاجار را می‌توان تحت عنوان «مکتب زند و قاجار» خواند. شیوه نقاشی مشهور به «گل و مرغ» از اواخر دوره صفوی آغاز می‌شود. این نقاشی به نوعی از هنر غرب متأثر است. از نقاشی موسوم به گل و مرغ، بیشتر برای تزیین قلمدان‌ها، جعبه آینه و در مواردی هم برای پشت جلد کتاب‌ها استفاده می‌شد. در عهد زندیه و قاجار، جلدهای لاک‌پوش بسیار مورد توجه قرار گرفتند. نقاشی‌های روی جلدهای لاک‌پوش در دوره زندیه و قاجار، اکثراً نقاشی‌های «گل و مرغ» هستند. به جز جلد لاک‌پوش، جلدهای دیگر دوره قاجار یا چرمی هستند و یا مخملی، اما جلدهای چرمی دیگر ارزش چندانی ندارند، ولی جلدهای مخملی طلاکوبی شده تا حدی دارای جنبه هنری می‌باشند. در دوره قاجار، نقاشی‌های جدیدی به نام «گل لندنی» بر کاشی‌ها نقش بست و رنگ‌های تازه‌ای نیز به کار رفت تا قبل از آن مرسوم نبود. ابداع جدیدی که در زمینه رنگ در هنر کاشی‌کاری دوره قاجار به وقوع پیوست، به کار گرفتن رنگ «قرمز» در تزیین کاشی‌ها بود که تا پیش از آن رایج نبوده‌است. معروف‌ترین نقش به کار رفته در پارچه‌های دوره قاجار، نقش «بته جقه» است که هنوز هم در پارچه‌های چاپ دستی به چشم می‌خورد. در دوره قاجار، ورود صنایع ماشینی باعث زوال هنرهایی مانند نساجی، سفال‌گری، کاشی‌کاری، فلزکاری و... در ایران شد.

منابع

آژند، یعقوب. (۱۳۸۶). «نقاشان دوره قاجار». گلستان هنر. ۹.

آغداشلو، آیدین. (۱۳۸۴). «نقاشی در دوران قاجار: مقدمه‌ای بر نقاشی قاجاری»، حرفه هنرمند. ۱۳، ۹۰-۹۱.

پاکباز، رویین. (۱۳۸۵). *نقاشی ایران (از دیرباز تا امروز)*. تهران: زرین و سیمین.

جلالی جعفری، بهنام. (۱۳۸۲). *نقاشی قاجاریه (نقد زیبایی‌شناسی)*. تهران: کاوش قلم.

رابینسون، بی. (۱۳۸۶). «نقاشی لاک‌ی در عهد قاجار». *گلستان هنر*. ترجمه اردشیر اشراقی. ۹.

شفیع‌زاده، پریناز و رجبی، محمدعلی. (۱۳۸۷). «نقاشی‌های درباری (رسمی) قاجار، نمایش شکوه تصویر». *نگره*. ۶، ۵۹-۶۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی